**برخورد تمدنها**

**نوشتۀ تی یری میسان**

**Choc des civilisations 2**

par Thierry Meyssan

از 16 سال پیش، بحث و جدل های بی شماری کارشناسان سیاسی بین المللی را برای تعیین اهداف استراتژی ایالات متحدۀ آمریکا بخود واداشته است. روشن است که ساده تر می توانیم پس از این دوران با قاطعیت از آغاز آن بگوئیم. با وجود این، خیلی به ندرت چنین کاری را انجام داده اند و همچنان به تدریس نظریاتی ادامه می دهند که واقعیات بی اعتباری آنها را اثبات کرده است. با اتکا به نتایج این بحث و جدل ها، تی یری میسان مرحلۀ بعدی و پیش بینی شده برای ارتش ایالات متحدۀ آمریکا بر اساس نظریه پردازانش در پیش از این دوران را یادآوری می کند، یعنی مرحله ای که می تواند در آینده به اجرا گذاشته شود.

شبکۀ ولتر| دمشق (سوریه)|8 اکتبر 2017





ابوبکر بغدادی و آشین ویتارتو

**Abou Bakr al-Baghdadi & Ashin Wirathu**

نیروهائی که برای طرح تخریب «خاورمیانۀ بزرگ» اندیشیده و در نظر گرفته شده اند، منطقۀ خاورمیانه را به مثابه ازمایشگاهی تلقی می کردند که استراتژی نوین باید در آن به آزمون گذاشته شود... اگر در سال 2001 این نیروها شامل دولتهای ایالات متحدۀ آمریکا، بریتانیا و اسرائیل بود، قدرت سیاسی را در واشنگتن از دست داده اند و طرح اقتصادی و نظامی خود را در پیوند با شرکت های چند ملیتی خصوصی ادامه می دهند.

این نیروها استراتژی خودشان را از یک سو پیرامون بررسی های دریادار آرتور سبروسکی Arthur Cebrowski و معاونش توماس بارنت Thomas Barnett در پنتاگون، و از سوی دیگر برنارد لویس Bernard Lewis و معاونش ساموئل هانتینگنتون Samuel Huntington در شورای امنیت ملی طراحی کرده اند (1).

هدفشان این است که هم زمان تسلط خود را با تحولات فنی و اقتصادی معاصر تطبیق دهند و آن را به کشورهای سابقاً سوسیالیست گسترش دهند. در گذشته، واشنگتن اقتصاد جهانی را از طریق بازار جهانی انرژی و تحمیل دلار برای هر گونه قرارداد نفتی کنترل می کرد. و آنانی که می خواستند این قاعده را ندیده بگیرند به جنگ تهدید می شدند. ولی با گزینش جزئی گاز روسیه، ایران، قطر و به زودی سوریه بجای نفت این نظم نمی توانست ادامه یابد.

با پیوند مجدد با تاریخ تبهکاری نزد بخش بزرگی از مهاجران آمریکائی، این نیروها در تخیلاتشان به این فکر افتادند که تسلط خود را بر کشورهای غنی با زور بگیری ادامه دهند. نه فقط برای دسترسی به منابع انرژی فسیل بلکه بطور کلی برای دسترسی به مواد اولیه، دولتهای با ثبات (به علاوه شوروی سابق) باید «حمایت» ارتش ایالات متحدۀ آمریکا و به شکل جانبی ارتش بریتانیا و اسرائیل را درخواست کنند.

تحقق چنین طرحی مسلتزم تقسیم جهان به دو بخش بود، جهانی سازی اقتصادهای با اعتبار و تخریب کل قابلیت های مقاومت بقیۀ جهان.

این جهان بینی خیلی با آنچه در امپراتوری بریتانیا و صهیونیسم رواج داشت تفاوت دارد. این تغییر وادی (پارادیگم) نمی توانست تحقق یابد مگر با یک بسیج پی در پی با شوک روانی، با یک «پرل هاربر جدید». نامش 11 سپتامبر است.

اگر این طرح هذیان آمیز و اسفناک بنظر می رسید، 16 سال بعد می توانیم ببینیم که در واقع در شرف تکوین است و به موانع پیشبینی ناپذیری برخورد کرده است.

جهانی سازی اقتصاد کشورهای با اعتبار تقریباً کاملاً تکوین یافته بود تا اینکه یکی از آنها، روسیه به شکل نظامی با تخریب قابلیتهای مقاومت در سوریه و سپس با ضمیمه سازی اجباری اوکراین در اقتصاد جهانی نیز مخالفت کرد. در نتیجه واشنگتن و لندن به همپیمانان خود دستور دادند مسکو را تحریم اقتصادی کنند. با چنین حرکتی، روند جهانی سازی کشورهای معتبر را متوقف کردند.

چین با راه اندازی طرح «راه های ابریشم» به شکل قابل توجهی در کشورهائی که به تخریب محکوم شده بود سرمایه گذاری کرد. نیروهائی که «نقشۀ جدید جهان» را به سیلقۀ خودشان ترسیم می کنند در رویاروئی با این وضعیت واکنش نشان دادند و یک دولت تروریست به وجود آوردند تا راه ابریشم قدیمی را قطع کنند که از عراق و سوریه عبور می کرد و اوکراین را نیز به صحنۀ جنگ تبدیل کردند تا راه دوم ابریشم را مسدود کند.

این نیروها در حال حاضر بر آن هستند که هرج و مرج را به منطقۀ دیگری در آسیای جنوب شرقی گسترش دهند. به گزارش کمیتۀ ضد تروریست سازمان ملل متحد تخمین زده شده است که جهاد طلبان به آنجا مهاجرت کرده اند. با چنین حرکتی، این نیروها دوران 16-2012 در خاورمیانه را خاتمه داده اند، بی هیچ پیشداوری دربارۀ جنگ پیرامون کُردها، تخریب آسیای جنوب شرقی را آماده می کنند. و این دومین مرحله از «برخورد تمدنها» خواهد بود، پس از مسلمانان علیه «یهودی-مسیحیان» (2)، این بار مسلمانان علیه بودائی ها.

[Thierry Meyssan](http://www.voltairenet.org/auteur29.html?lang=fr)



[[1](http://www.voltairenet.org/article198286.html?var_mode=preview#nh1)] *Network Centric Warfare : Developing and Leveraging Information Superiority*, David S. Alberts, John J. Garstka & Frederick P. Stein, CCRP, 1999. *The Pentagon’s New Map*, Thomas P. M. Barnett, Putnam Publishing Group, 2004. « The Roots of Muslim Rage », Bernard Lewis, *Atlantic Monthly*, septembre1990. « The Clash of Civilizations ? » & « The West Unique, Not Universal », Samuel Huntington, *Foreign Affairs*, 1993 & 1996 ; *The Soldier and the State* & *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, Samuel Huntington, Harvard 1957 & Simon and Schulster 1996.

2) اصلاح یهودی-مسیحی بطور مشخص تا سال 90 به معنای گروه یهودیانی بود که پیرامون ژاک قدیس به مسیحیت گرویده بودند. این گروه پس از غارت اورشلیم توسط رومی ها منحل شد. با وجود این، مسیحیان غربی در سنتهای مذهبی خود همچنان برای کتاب عهد قدیم اهمیت بسیاری قائل هستند، بی آنکه به تفاوت دیدگاه مسیحی و یهودی آگاه باشند. بر عکس، مسیحیان شرق، به سنتهای پیشینیان خود وفادار باقی مانده اند و به ندرت به نوشته های یهودی مراجعه می کنند و در عِشای ربّانی از خواندن آنها امتناع می کنند.

ترجمۀ حمید محوی